



Research Paper

[10.22034/IJFP.2023.1971547.1176](https://doi.org/10.22034/IJFP.2023.1971547.1176)

Structural Model of Family Functioning and Prosocial Behaviors with the Mediating Role of Psychological Maturity

Fatemeh Alidoosti^{1*}, Mahdiah Bakhtiari²

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Psychology and Counseling, Khayyam University, Mashhad, Iran.
2. M.A. in General Psychology, Khayyam University, Mashhad, Iran.

Article Info.	Abstract
Received: 07.11.2022 Accepted: 15.06.2023	Abstract The present research was conducted to clarify the causal relationship between family functioning and prosocial behaviors with the mediating role of psychological maturity. This descriptive research was correlational. Its statistical population consisted of adults aged 18 years and older, of which 436 individuals (i.e., 349 women and 87 men) were selected as the sample using the convenience sampling method. The Prosocial Tendencies Measure revised by Carlo et al. (PTM-R), the Family Assessment Device of Epstein et al. (FAD), and the Psychological Maturity scale of Mohammadkhani et al. were utilized to collect data. Given the results of the Pearson correlation test, significant positive relationships were observed between family functioning and intrinsically motivated prosocial behaviors, between the problem-solving dimensions in family functioning and extrinsically motivated prosocial behaviors, between family functioning and psychological maturity, between the social domain of psychological maturity and prosocial behaviors in emotional and dire situations. In contrast, a negative and significant relationship was revealed between psychological maturity and extrinsically motivated prosocial behaviors. The results of structural equation modeling indicated the significant mediating role of psychological maturity in the relationship between family functioning and prosocial behaviors with intrinsic motivation. Generally, it can be said that optimal family functioning can influence the psychological maturity of its members and their growth, leading individuals to adopt prosocial behaviors with internal motivation and higher levels of moral reasoning.
Keywords: <i>family functioning,</i> <i>prosocial behaviors,</i> <i>psychological maturity</i>	
*Corresponding author Email: f.alidoosti@khayyam.ac.ir	
How to Cite: Alidoosti, F., Bakhtiari, M. (2023). Structural Model of Family Functioning and Prosocial Behaviors with the Mediating Role of Psychological Maturity. <i>Journal of Family Psychology</i> . 10(1), 66-83.	



مدل ساختاری عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا با نقش میانجی پختگی روان‌شناختی

فاطمه علی‌دوستی^{۱*}، مهدیه بختیاری^۲

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه خيام، مشهد، ایران.

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خيام، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>عملکرد خانواده، رفتارهای جامعه‌گرا، پختگی روان‌شناختی.</p>	<p>چکیده</p> <p>پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا با نقش میانجی پختگی روان‌شناختی صورت گرفت. این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری آن را بزرگسالان ۱۸ سال به بالا تشکیل دادند که از آن میان ۴۳۶ نفر (۳۴۹ خانم و ۸۷ آقا) به‌عنوان نمونه، با شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌ی گرایش‌های اجتماعی مطلوب تجدیدنظر شده توسط کارلو و همکاران (PTM-R)، مقیاس سنجش کارکرد خانواده اپستاین و همکاران (FAD) و مقیاس پختگی روان‌شناختی محمدخانی و همکاران جمع‌آوری شدند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد میان عملکرد خانواده با رفتارهای جامعه‌گرای واجد انگیزه‌ی درونی، میان بُعد حل مشکل در عملکرد خانواده با رفتارهای جامعه‌گرای واجد انگیزه‌ی بیرونی، میان عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی، میان حوزه‌ی اجتماعی پختگی روان‌شناختی با رفتارهای جامعه‌گرا در شرایط هیجانی و اضطرابی، همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. افزون بر آن، بین پختگی روان‌شناختی با رفتارهای جامعه‌گرای واجد انگیزه‌ی بیرونی رابطه‌ی منفی و معنادار مشاهده شد. نتایج بررسی مدل معادلات ساختاری نیز از نقش میانجی معنادار پختگی روان‌شناختی برای رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا با انگیزه‌ی درونی حکایت داشت. در مجموع می‌توان گفت عملکرد مطلوب خانواده می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن پختگی روان‌شناختی اعضای خود و رشد آن، افراد را به سمت اتخاذ رفتارهای جامعه‌گرا با انگیزه‌ی درونی و سطوح بالاتر استدلال اخلاقی سوق دهد.</p>
<p>*نویسنده مسئول: پست الکترونیکی: f.alidoosti@khayyam.ac.ir</p>	
<p>استناد به این مقاله:</p> <p>علی‌دوستی، فاطمه، بختیاری، مهدیه (۱۴۰۲). مدل ساختاری عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا با نقش میانجی پختگی روان‌شناختی. <i>روانشناسی خانواده</i>، ۱۰(۱)، ۶۶-۸۳.</p>	

مقدمه

رفتارهای جامعه‌گرا^۱ اهمیت قابل توجهی در کیفیت روابط میان‌فردی دارد (Poorshirazi & Nasrolahi, 2021) و می‌تواند به افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی منجر شود (Javadian & ZeydabadiNezhad, 2016). این رفتارهای داوطلبانه، شامل اعمالی می‌شود که بدون توجه به قصد یا انگیزه برای ارگانیزم دیگر مفید باشد (Lewis, 2018)، به پشتیبانی از دیگران پرداخته و با روش‌هایی کارآمد از جمله به‌اشتراک‌گذاری وسایل با دیگران، کمک به افراد آسیب‌دیده یا ناتوان و آرامش دادن (Hammond et al., 2015) صورت می‌پذیرد و می‌تواند ناشی از همدلی باشد (ObosiA et al., 2017). در نتیجه، بروز آن‌ها به نفع دیگران بوده و با ترویج روابط مثبت، به‌جای تمایل برای کسب منفعت شخصی، از روی مسئولیت شخصی انجام می‌شوند (De Caroli & Sagone, 2014). در نگاه اول، رفتارهای جامعه‌گرا دارای ساختاری ساده است، اما چندبعدی بودن آن در شکل، انگیزه، پیامدها و علت نهایی، پیچیدگی قابل توجه آن را نشان می‌دهد (Lewis, 2018). چنان‌که برخی از رفتارهای یاری‌رسان به‌وسیله‌ی هنجارها و اصول درونی‌شده و در پاسخ به همدردی برانگیخته می‌شوند و سایر رفتارهای یاری‌رسان با انگیزه‌های بیرونی (مثلاً جلب تأیید دیگران) انجام می‌گیرند (Carlo & Randall, 2002) که این امر، محققان را بر آن داشته تا به بررسی عوامل متعدد دخیل در بروز آن بپردازند.

خانواده از جمله عوامل بیرونی تعیین‌کننده‌ی رفتار جامعه‌گرا است که تأثیر بسزایی بر رشد فکری، اجتماعی و شخصیتی افراد می‌گذارد (Javadian & ZeydabadiNezhad, 2016). این نهاد محیطی ست که فرد در آن زندگی می‌کند، رشد می‌یابد، بر سستی‌ها و بیماری‌ها غلبه می‌نماید، حمایت می‌شود و احساس خوشبختی و محافظت‌شدن می‌کند (Alimov & Gulrukh, 2022). فرد در بستر خانواده، خواسته‌های جامعه را درمی‌یابد و این شناخت، او را به‌گزینش رفتارهای معین رهنمون می‌سازد (Fathi et al., 2021) و لذا می‌آموزد که چگونه با دیگران تعامل داشته و در موقعیت‌های اجتماعی به دیگران یاری رساند (Javadian & ZeydabadiNezhad, 2016). در نتیجه، این واحد اساسی جامعه، مکانی مهم برای تحول جسمانی و روانی افراد به‌شمار می‌رود (Estiri et al., 2021) و عملکرد آن بستر رشد عاطفی و اجتماعی را برای اعضا فراهم می‌سازد (Hamid et al., 2021).

ظرفیت سیستم خانواده برای برآوردن نیازهای اعضا از طریق تغییرات رشدی به‌عنوان عملکرد خانواده^۲ توصیف می‌شود (Ryan et al., 2005) و ماهیت و انسجام روابط خانوادگی و نقش تعارضات را در زندگی مطرح می‌کند (Zarei, 2021). این عملکرد تنها عواملی از قبیل امکانات رفاهی خانواده و تحصیلات والدین را دربر نمی‌گیرد، بلکه رشد اخلاقی خانواده، کیفیت ارتباط بین اعضا، مناسب بودن مقررات، تقسیم نقش‌ها، نحوه‌ی حل مسئله و رفع نیازهای عاطفی را نیز شامل می‌شود (Nikolaev et al., 2016). از برخی ویژگی‌های خانواده‌های دارای عملکرد مطلوب، می‌توان به داشتن فضای عاطفی گرم، انتظارات روشن از نقش‌ها، رفتارها و احساسات و نیز حل مشکلات به شیوه‌ی مؤثر اشاره نمود (Epstein et al., 1978; Lewandowski et al., 2010) و از ویژگی‌های خانواده‌ی ناسالم می‌توان به هم‌ریختگی، ارتباطات ضعیف و سطوح بالای تعارض را نام برد (Lewandowski et al., 2010).

با توجه به مطالب ذکرشده، شناسایی مدل‌هایی برای درک بافت‌های دخیل در بروز رفتارهای جامعه‌گرا، سودمند می‌نماید؛ که در این راستا به عملکرد خانواده اشاره شد. به‌گونه‌ای که ارتباطات خانوادگی اولین ابزاری است که کودکان از طریق آن یاد می‌گیرند با دیگران ارتباط برقرار کنند، رفتارهای دیگران را تفسیر نمایند و احساسات را تجربه کنند (Koerner & Maki, 2004). از سویی، شکل‌گیری این رفتارها ممکن است متأثر از عواملی باشد که خود، با تأثیرپذیری از عملکرد خانواده به بروز رفتارهای جامعه‌گرا منجر می‌شوند. در این میان، پختگی روان‌شناختی^۳ که ریشه‌های آن در خانواده پایه‌ریزی می‌شود (Freidoonfar et al., 2016)؛

¹ Prosocial behaviors

² family functioning

³ psychological maturity

(RostamAbadi & HaroonRashidi, 2018)، از جمله عواملی است که می‌تواند بر طیف وسیعی از رفتارها تأثیرگذار باشد و انسجام خانواده و انعطاف‌پذیری آن که از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی میزان تعامل فرد با جامعه هستند، می‌توانند نقش پررنگی را در پختگی روان‌شناختی فرد ایفا کنند (RostamAbadi & HaroonRashidi, 2018). بنابراین به نظر می‌رسد پختگی چیزی است که توسط تربیت و تجربیات زندگی فرد شکل می‌گیرد، نه چیزی که تنها با افزایش سن به دست می‌آید (Mazo, 2021).

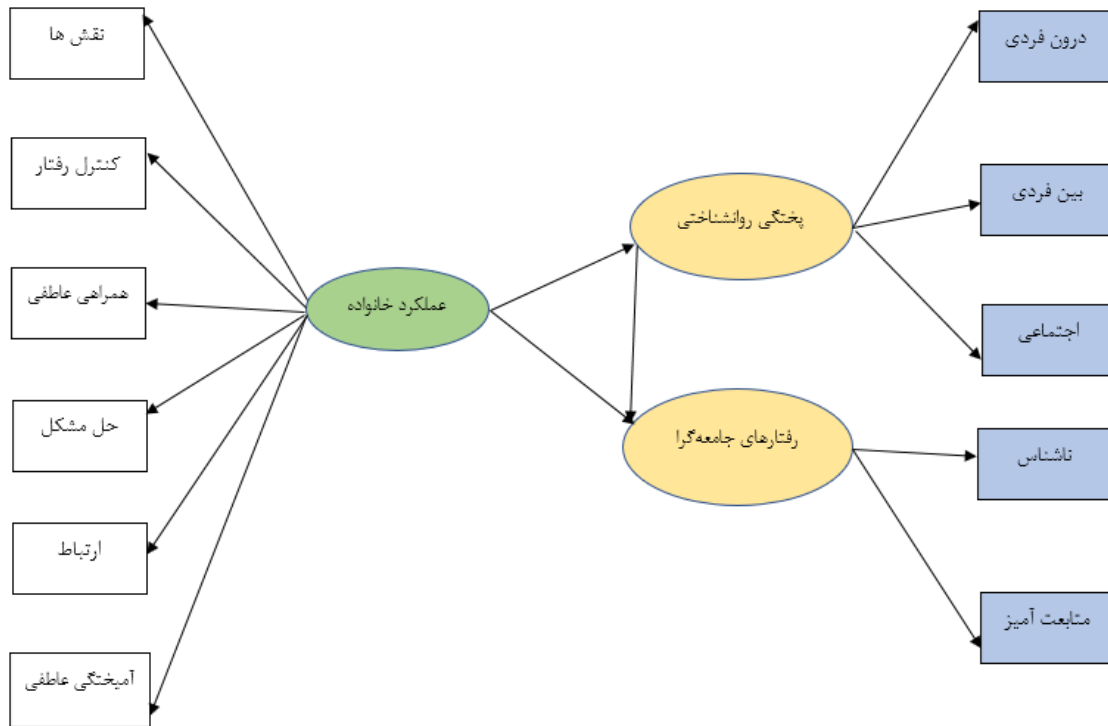
پختگی روان‌شناختی یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین مفاهیم علم روان‌شناسی است که تعاریف متعددی دارد (Rocque, 2015). می‌توان آن را مبین توانایی فرد در ارائه‌ی پاسخ مناسب به محرک‌های متعدد محیط پیرامون (RostamAbadi & HaroonRashidi, 2018) و مقاومت در برابر محرک‌های احساسی، هیجان‌انگیز یا خطرناک (Icenogle et al., 2019) دانست. در واقع پختگی یک ویژگی است که می‌توان آن را از طریق اعمال فرد در حین انجام نوعی فعالیت شناسایی نمود. به گونه‌ای که فرد پخته با دقت در مورد اقدامات خود فکر نموده و متناسب با موقعیتی که در آن قرار دارد، به شیوه‌ای منطقی عمل می‌نماید (Mazo, 2021). آلپورت (quoted from Feist et al., 2015) به شخصیت پخته به‌عنوان شخصیت سالم اشاره نموده و بیان می‌نماید که این افراد، با رفتار تأثیرگذار مشخص می‌شوند. به این معنا که آن‌ها نه تنها به محرک‌های بیرونی واکنش نشان می‌دهند، بلکه قادرند به شیوه‌ای مبتکرانه و به‌صورت هشیار بر محیط خود تأثیر بگذارند. در این راستا، (Greenberger & Sorensen, 1974) معتقدند با درآمیختن دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی فرد و دست‌یابی به مدل پختگی روانی-اجتماعی^۱، نیازهای جوامع و همچنین رشد سالم افراد در نظر گرفته می‌شود. افراد پخته به عواقب کار خود اندیشیده، مسئولیت اعمال‌شان را می‌پذیرند و از ثبات عاطفی برخوردارند (Caspi et al., 2005). آن‌ها بهتر می‌توانند تکانه‌های خویش را کنترل نمایند، اگر تحت نفوذ همسالان قرار گیرند می‌توانند مقاومت کنند و نیز بهتر می‌توانند دیدگاه دیگران را مدنظر قرار دهند (Mulvey et al., 2004; Rocque, 2015). در نتیجه، درک مطلوبی از روابط اجتماعی دارند و انتظارات جامعه از خود را می‌شناسند. نظر به پژوهش‌های صورت گرفته، خانواده با شرایط مطلوب می‌تواند زمینه‌ای را فراهم کند تا افراد توانایی‌های خود را شناسایی نمایند و به‌عنوان اشخاص پخته در جامعه نقش‌های سودمندی را به‌عهده گیرند (Ghorbani & Jomenia, 2018). چنان‌که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد خانواده مؤثرترین عامل محیطی در رشد و تحول فردی و اجتماعی فرزندان بوده و عملکرد نامطلوب آن منشأ بسیاری از مشکلات کودکان و نوجوانان است (Jaureguizar et al., 2018). از سویی نیز برخی پژوهش‌ها به تأثیر نقش خانوادگی بر پختگی اشاره نموده و به‌عنوان مثال نشان داده‌اند که گذار زنان به نقش والدینی با افزایش پختگی روانی-اجتماعی همراه است (Stone & Rydberg, 2019) و رشد پختگی، موفقیت در سازگاری با نقش‌های اجتماعی و نیز کاهش رفتارهای تکانشی را به همراه دارد (Nivette et al., 2022; Stone & Rydberg, 2019). برخی پژوهش‌ها نیز پختگی روانی-اجتماعی را یکی از مهم‌ترین وظایف رشدی برای گذار از جوانی به بزرگسالی دانسته‌اند (Piotrowski et al., 2020) و نیز پختگی روان‌شناختی مادران را به‌عنوان عاملی مهم در سازگاری و کیفیت رفتار تعاملی آنان با فرزندان‌شان، مطرح نموده‌اند (Camberis et al., 2016).

بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد بروز رفتارهای جامعه‌گرا تحت تأثیر متغیرهای به‌هم وابسته‌ای مانند عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی قرار دارد. به عبارتی، عملکرد خانواده علاوه بر اثر مستقیمی که می‌تواند بر ایجاد رفتارهای جامعه‌گرا داشته باشد، با اثرگذاری بر مؤلفه‌هایی نیز می‌تواند منجر به بروز این رفتارها گردد. با وجود اشاره‌ی مطالعات متعدد به اهمیت ابعاد عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی، تاکنون پژوهشی شیوه‌ای را که خانواده می‌تواند از طریق آن بر پختگی و بروز رفتارهای جامعه‌گرا در افراد اثر بگذارد، هدف قرار نداده است. بنابراین در این پژوهش، متغیر پختگی روان‌شناختی به‌عنوان میانجی برای اثر عملکرد خانواده بر رفتارهای جامعه‌گرا در نظر گرفته شد که مدل مفهومی برای روابط این متغیرها در شکل ۱ ارائه شده است و پژوهش

¹ psychosocial maturity

علی‌دوستی و بختیاری: مدل ساختاری عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا ...

حاضر با هدف بررسی برازش این مدل که بیانگر نقش میانجی پختگی روان‌شناختی برای رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا می‌باشد، صورت گرفت.



شکل ۱. مدل مفهومی متغیرهای پژوهش

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

نظر به این امر که مطالعه‌ی حاضر به درک بهتر اثر عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی افراد بر بروز رفتارهای جامعه‌گرا آنان می‌انجامد و با دستاوردهای آن یافته‌هایی نو به علم موجود می‌افزاید، در زمره‌ی پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد. طرح این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده و بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری به تبیین روابط میان متغیرها پرداخت. جامعه‌ی این پژوهش را بزرگسالان ۱۸ سال به بالا تشکیل دادند و با توجه به این که مطابق با استدلال شوماخر و لومکس، در پژوهش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری حجم نمونه ۲۰۰ تا ۶۰۰ نفر مورد نیاز است (Rouhizadeh et al., 2020)، در این طرح ۴۳۶ نفر به‌عنوان نمونه، با شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به‌صورت آنلاین به پرسشنامه‌های الکترونیکی پاسخ دادند. به‌طوری‌که ابتدا پرسشنامه‌های مربوط به هر متغیر به‌صورت الکترونیکی تدوین شد و پس از تبدیل به یک پرسشنامه‌ی جامع، از طریق شبکه‌های مجازی تلگرام، اینستاگرام و واتس‌آپ لینک مربوط به آن در اختیار افراد واجد شرایط قرار گرفت و به آن پاسخ داده شد. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش به این صورت بود که به شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد که در این پژوهش مشخصات فردی همچون نام و نام خانوادگی افراد جمع‌آوری نمی‌شود و پاسخ‌های آنان محرمانه باقی خواهد ماند. همچنین، نتایج به‌دست آمده از پاسخ‌ها صرفاً به‌صورت گروهی و در راستای اهداف پژوهشی مورد تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفته و گزارش خواهد شد.

ابزار سنجش

الف) پرسشنامه‌ی گرایش‌های اجتماعی مطلوب^۱: این مقیاس در سال ۲۰۰۳ توسط Carlo et al. تجدیدنظر شده که روایی و پایایی آن توسط Kajbaf et al. (2010) بر روی دانشجویان ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است و در این راستا، ۶ مؤلفه‌ی بیان‌شده از جانب کارلو و همکاران را به ۵ مؤلفه کاهش دادند. پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال و ۵ مؤلفه: رفتارهای اجتماعی مطلوب ناشناس، رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی و اضطراری، رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی، رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت-آمیز و رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع‌دوستانه و جمعی می‌باشد و بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۱ (اصلاً مرا توصیف نمی‌کند) تا ۵ (کاملاً مرا توصیف می‌کند) نمره‌گذاری می‌شود. Malinauskas & Saulius (2019) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۴ ارزیابی کردند و بر اساس تحقیقات داخلی ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۶ به‌دست آمده است (Kajbaf & Rahimi, 2011). همچنین، در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های این پرسشنامه در دامنه‌ی ۰/۴۵ تا ۰/۸۴ به‌دست آمد.

ب) مقیاس سنجش کارکرد خانواده^۲: این پرسشنامه ۶۰ سؤال می‌باشد و برای سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک‌مستر در سال ۱۹۸۳ توسط Epstein et al. تدوین شده که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خودگزارش‌دهی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. FAD دارای ۶ مؤلفه: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و یک شاخص عملکرد کلی بوده و بر اساس طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. اعتبار و روایی این ابزار توسط تدوین‌گران آن ارزیابی شد و دامنه آلفای کرونباخ مجموعه‌ها بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی همسانی درونی بالای آن است. Gharadaghi et al. (2020) پایایی این پرسشنامه را ۰/۷۹ گزارش کردند که از مطلوبیت آن برای پژوهش حکایت دارد. اگر خرده‌مقیاس عملکرد کلی را از تجزیه و تحلیل‌ها خارج کنیم، شش خرده‌مقیاس دیگر این ابزار نسبتاً از استقلال خوبی برخوردار خواهند بود. شایان‌ذکر است از آنجایی که در این پرسشنامه، نمره-گذاری ابعاد عملکرد خانواده بر اساس توصیف عملکرد ضعیف و ناسالم انجام می‌گیرد، در پژوهش حاضر نمرات سؤال‌های توصیف‌کننده‌ی عملکرد ناسالم و آوارون شدند تا با سایر متغیرهای پژوهش هم‌سو باشند و ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده نیز برای ابعاد این پرسشنامه در دامنه‌ی ۰/۵۷ تا ۰/۹۴ به‌دست آمد.

ج) مقیاس پختگی روان‌شناختی: این مقیاس برای ارزیابی رشد روان‌شناختی دانشجویان ایرانی، بر اساس مبانی نظری مربوطه با در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگ ایرانی توسط Mohammadkhani et al. (2016)، استانداردسازی شده است و ۱۰۰ سؤال دارد که پختگی روان‌شناختی را در سه حوزه‌ی درون‌فردی، میان‌فردی و اجتماعی با استفاده از یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) ارزیابی می‌نماید. همسانی درونی این مقیاس توسط Mohammadkhani et al. (2016) بررسی شده و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها و مؤلفه‌های آن در دامنه‌ی ۰/۶۲ تا ۰/۹۴ به‌دست آمده است که اعتبار مطلوبی به حساب می‌آید. به‌علاوه، در پژوهش حاضر نیز برای حوزه‌های این پرسشنامه و نمره‌ی کل آن ضریب آلفای کرونباخ در دامنه‌ی ۰/۷۳ تا ۰/۹۵ به‌دست آمد.

¹ Measure of Prosocial Tendencies

² Family Assessment Device (FAD)

علی‌دوستی و بختیاری: مدل ساختاری عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا ...

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار، آزمون‌های همبستگی پیرسون با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS 26 و مدل معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار LISREL 8.80 استفاده شد.

یافته‌ها

تعداد ۳۴۹ نفر از ۴۳۶ شرکت‌کننده‌ی این پژوهش را خانم‌ها و ۸۷ نفر را آقایان تشکیل دادند، کمترین سن این افراد ۱۸ سال و بیشترین سن ۶۹ سال بود که از میانگین سنی ۳۷/۱۰ و انحراف معیار ۱۱/۱۰۹ برخوردار بودند. از میان آنان تحصیلات ۶۲ نفر دیپلم و پایین‌تر، ۴۴ نفر کاردانی، ۱۸۵ نفر کارشناسی، ۱۳۳ نفر کارشناسی ارشد و ۱۲ نفر دکتری بود. همچنین، تعداد ۱۱۷ نفر از آنان مجرد، ۳۰۹ نفر متأهل و ۱۰ نفر مطلقه بودند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
نمره کل عملکرد خانواده	۱۷۴/۴۱	۲۲/۶۸	۰/۳۵	-۰/۱۱
نقش‌ها	۲۴/۶۰	۳/۶۰	-۰/۰۱	-۰/۰۴
کنترل رفتار	۲۵/۷۴	۳/۳۹	۰/۴۱	۰/۸۰
همراهی عاطفی	۱۹/۳۲	۳/۰۴	۰/۴۰	-۰/۱۰
حل مشکل	۱۸/۹۵	۲/۹۴	۰/۵۴	۰/۸۴
ارتباط	۲۱/۰۱	۳/۳۷	۰/۵۰	۰/۲۴
آمیختگی عاطفی	۲۶/۵۵	۴/۷۰	۰/۳۴	۰/۱۶
عملکرد کلی	۳۸/۲۵	۵/۷۵	۰/۵۳	۰/۱۹
نمره کل پختگی روان‌شناختی	۴۲۳/۹۹	۵۳/۲۶	-۰/۱۹	۰/۴۵
حوزه‌ی درون‌فردی	۲۰۴/۳۲	۳۲/۲۸	-۰/۵۱	۰/۷۲
حوزه‌ی بین‌فردی	۱۵۵/۳۳	۲۰/۷۸	۰/۱۸	۰/۴۴
حوزه‌ی اجتماعی	۶۴/۳۵	۸/۷۲	۰/۲۲	-۰/۰۱
نمره کل رفتارهای جامعه‌گرا بانگیزه‌ی درونی	۳۸/۸۲	۶/۵۲	-۰/۴۴	۰/۲۰
رفتارهای جامعه‌گرای ناشناس	۲۷/۰۴	۵/۴۲	-۰/۵۶	۰/۱۷
رفتارهای جامعه‌گرای متابعت‌آمیز	۱۱/۷۸	۲/۱۵	-۰/۳۲	-۰/۵۰
نمره کل رفتارهای جامعه‌گرا بانگیزه‌ی بیرونی	۴۳/۸۷	۸/۳۱	-۰/۱۰	-۰/۲۴
رفتارهای جامعه‌گرای نوع‌دوستانه و جمعی	۲۰/۵۶	۴/۷۱	۰/۱۲	-۰/۲۸
رفتارهای جامعه‌گرای بحرانی	۱۴/۰۲	۳/۰۴	-۰/۳۴	-۰/۰۳
رفتارهای جامعه‌گرای هیجانی	۹/۲۹	۲/۶۷	-۰/۰۴	-۰/۴۸

روانشناسی خانواده، ۱۰ (۱)، ۶۶-۸۳

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون برای روابط متغیرهای پژوهش

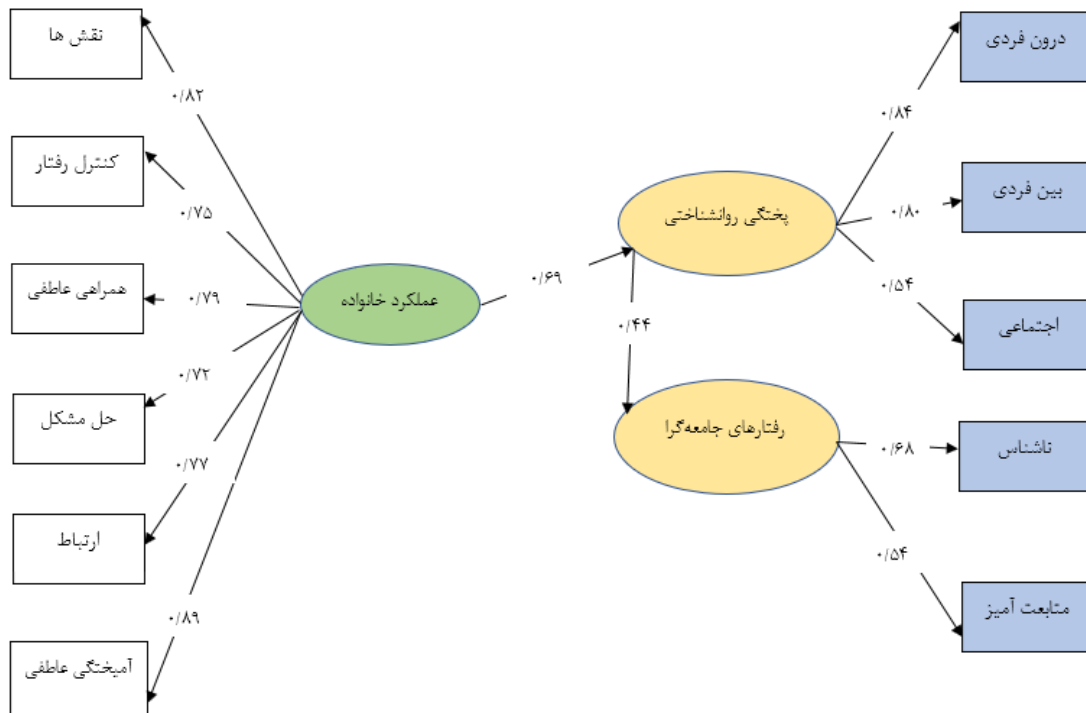
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	
۱. نمره کل عملکرد خانواده	۱																			
۲. نقش‌ها	۰/۸۳***	۱																		
۳. کنترل رفتار	۰/۷۸***	۰/۶۱***	۱																	
۴. همراهی عاطفی	۰/۸۰***	۰/۶۰***	۰/۵۸***	۱																
۵. حل مشکل	۰/۸۰***	۰/۶۰***	۰/۵۲***	۰/۵۵***	۱															
۶. ارتباط	۰/۸۴***	۰/۶۲***	۰/۵۵***	۰/۶۴***	۰/۷۲***	۱														
۷. آمیختگی عاطفی	۰/۸۹***	۰/۷۲***	۰/۶۷***	۰/۷۳***	۰/۵۸***	۰/۶۸***	۱													
۸. عملکرد کلی	۰/۹۱***	۰/۷۱***	۰/۶۵***	۰/۶۵***	۰/۶۵***	۰/۷۳***	۰/۷۲***	۱												
۹. نمره کل پختگی روان‌شناختی	۰/۶۰***	۰/۵۴***	۰/۵۰***	۰/۴۷***	۰/۴۸***	۰/۴۵***	۰/۵۴***	۰/۵۲***	۱											
۱۰. حوزه‌ی درون‌فردی	۰/۵۶***	۰/۵۱***	۰/۴۸***	۰/۴۲***	۰/۴۸***	۰/۴۳***	۰/۴۶***	۰/۵۰***	۰/۹۲***	۱										
۱۱. حوزه‌ی بین‌فردی	۰/۵۲***	۰/۴۸***	۰/۴۲***	۰/۴۷***	۰/۴۰***	۰/۳۹***	۰/۴۹***	۰/۴۵***	۰/۸۸***	۰/۶۷***	۱									
۱۲. حوزه‌ی اجتماعی	۰/۳۲***	۰/۲۵***	۰/۲۸***	۰/۲۷***	۰/۱۸***	۰/۲۰***	۰/۳۸***	۰/۲۸***	۰/۵۸***	۰/۳۴***	۰/۵۴***	۱								
۱۳. نمره کل رفتارهای جامعه‌گرای درونی	۰/۲۴***	۰/۲۲***	۰/۲۲***	۰/۱۶***	۰/۳۲***	۰/۱۹***	۰/۱۴***	۰/۲۳***	۰/۲۸***	۰/۲۵***	۰/۲۲***	۰/۲۴***	۱							
۱۴. ناشناس	۰/۲۲***	۰/۲۲***	۰/۱۹***	۰/۱۶***	۰/۲۹***	۰/۱۶***	۰/۱۳***	۰/۲۰***	۰/۲۰***	۰/۲۵***	۰/۲۰***	۰/۱۹***	۰/۹۵***	۱						
۱۵. متابعت‌آمیز	۰/۱۸***	۰/۱۳***	۰/۱۷***	۰/۰۸***	۰/۲۲***	۰/۱۷***	۰/۱۱***	۰/۱۸***	۰/۲۰***	۰/۱۵***	۰/۱۸***	۰/۱۸***	۰/۲۳***	۰/۶۳***	۰/۳۶***	۱				
۱۶. نمره کل رفتارهای جامعه‌گرای بیرونی	-۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۱۶***	۰/۰۲	-۰/۱۳***	۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۰۵	-۰/۰۶	-۰/۰۵	۰/۳۸***	۰/۳۱***	۰/۳۷***	۱			
۱۷. نوع‌دوستانه و جمعی	-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۱۴***	-۰/۱۳***	۰/۱۰*	-۰/۱۷***	۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۱۳***	-۰/۰۹*	-۰/۱۲*	-۰/۱۶***	۰/۱۹***	۰/۱۴***	۰/۲۰***	۰/۸۵***	۱			
۱۸. بحرانی	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۱۶***	-۰/۰۵	-۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۱۱*	۰/۴۳***	۰/۳۷***	۰/۳۸***	۰/۸۱***	۰/۳۱***	۱		
۱۹. هیجانی	۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۰۴	-۰/۰۳	۰/۱۴***	۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۰۸	-۰/۰۶	-۰/۰۷	-۰/۰۵	-۰/۰۱	۰/۳۴***	۰/۲۸***	۰/۳۴***	۰/۸۰***	۰/۵۲***	۰/۵۱***	۱	

* P<0/05, ** P<0/01, *** P<0/001

ضرایب همبستگی به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های رفتارهای جامعه‌گرا و نمره‌ی کل آن‌ها با مؤلفه‌های عملکرد خانواده و نمره‌ی کل آن در بازه‌ی ۰/۱۷- تا ۰/۲۹ قرار داشت. این ضرایب بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده و نمره‌ی کل آن با حوزه‌های پختگی روان‌شناختی و نمره‌ی کل آن‌ها در بازه‌ی ۰/۱۸ تا ۰/۶۰ و بین حوزه‌های پختگی روان‌شناختی و نمره‌ی کل آن‌ها با مؤلفه‌های رفتارهای جامعه‌گرا و نمره‌ی کل آن‌ها از ۰/۰۱- تا ۰/۲۸ قرار داشت.

برای پاسخ‌دهی به سؤال تحقیق و به عبارتی به منظور بررسی نقش میانجی پختگی روان‌شناختی برای رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا مدل ساختاری مبتنی بر پیشینه‌ی نظری و تجربی ترسیم شد. همان‌طور که در مدل اولیه (شکل ۱) مشاهده می‌شود، برای متغیر درون‌زا یعنی رفتارهای جامعه‌گرا، فقط مؤلفه‌های واجد انگیزه‌ی درونی در نظر گرفته شده؛ دلیل این امر آن بود که با توجه به متغیرهای برون‌زا و میانجی، یعنی عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی، از رفتارهای جامعه‌گرا با انگیزه‌ی درونی که سطوح بالاتر استدلال اخلاقی را پوشش می‌دهند به‌عنوان متغیر درون‌زا استفاده شد. بنابراین در این مدل، متغیرهای عملکرد خانواده، پختگی روان‌شناختی و رفتار اجتماعی مطلوب به‌عنوان متغیر پنهان و مؤلفه‌های آن‌ها به‌عنوان متغیرهای آشکار در نظر گرفته شده‌اند. بدین صورت که عملکرد خانواده متغیر برون‌زا، پختگی روان‌شناختی متغیر میانجی و رفتارهای جامعه‌گرا متغیر درون‌زا در این مدل می‌باشند.

پیش از بررسی برازش مدل، پیش‌فرض نرمال بودن داده‌های آشکار با استفاده از شاخص‌های کجی و کشیدگی و سپس پیش-فرض عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای برون‌زا و میانجی مورد بررسی قرار گرفت. کجی داده‌ها بین ۰/۰۱ و ۰/۸۴ و کشیدگی بین ۰/۰۱ و ۰/۵۶ بود که از نرمال بودن آن‌ها حکایت دارد. پیش‌فرض عدم وجود هم‌خطی نیز با شاخص‌های VIF و Tolerance بررسی شد که با توجه به مقدار ۱/۵۸ برای VIF و ۰/۶۴ برای Tolerance، این مقادیر در محدوده‌ی نرمال قرار داشت. پس از برقراری مفروضه‌ها، برازش مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شد. به منظور برازش مدل ضروری است که شاخص‌های موردنظر استانداردهای لازم را داشته باشند. به عبارتی چنانچه شاخص χ^2/df کمتر از ۳ باشد، مقدار RSMEA از ۰/۱ کمتر و به صفر نزدیک‌تر باشد، و همچنین شاخص‌های برازش GFI، AGFI و CFI به یک نزدیک‌تر باشند، بیانگر آن است که مدل پیشنهادی تأیید شده است. اما شاخص‌های نیکویی برازش مدل اولیه بدین ترتیب به دست آمد: $\chi^2 = 250/57$ ، $df = 41$ ، $\chi^2/df = 6/09$ ، $df = 41$ ، $\chi^2 = 250/57$ ، $NNFI = 0/94$ ، $CFI = 0/95$ ، $GFI = 0/91$ ، $RMR = 4/44$ ، $SRMR = 0/05$ ، $RMSEA = 0/11$ ؛ که بیانگر عدم برازش مدل پیشنهادی بود. بنابراین روی این مدل برازش نیافته اصلاحاتی صورت گرفت و در نهایت مدل ساختاری ارائه شده در شکل ۲ تأیید شد. شاخص‌های کلی برازش این مدل بدین ترتیب است: $\chi^2 = 110/05$ ، $df = 36$ ، $\chi^2/df = 3/05$ ، $df = 36$ ، $\chi^2 = 110/05$ ، $NNFI = 0/97$ ، $CFI = 0/98$ ، $GFI = 0/96$ ، $RMR = 1/85$ ، $SRMR = 0/04$ ، $RMSEA = 0/06$. بر اساس این یافته‌ها، مقادیر شاخص‌های RMSEA و GFI در مدل مطلوب می‌باشد (RMSEA = ۰/۰۶ و GFI = ۰/۹۶). همچنین، کاهش مقادیر شاخص‌های χ^2/df ، RMR و SRMR حاکی از برازش بهتر مدل نهایی نسبت به مدل قبل بوده و مقدار NNFI نیز از برازش عالی این مدل نهایی حکایت دارد.



شکل ۲. مدل ساختاری تأییدشده برای رفتارهای جامعه‌گرا

مطابق با این مدل، ضریب مسیر مستقیم عملکرد خانواده به پختگی روان‌شناختی برابر با ۰/۶۹ می‌باشد که از نظر آماری معنادار است ($t = ۱۲/۸۹$). ضریب مسیر مستقیم پختگی روان‌شناختی به رفتارهای جامعه‌گرا برابر با ۰/۴۴ می‌باشد که این مسیر نیز معنادار است ($t = ۵/۷۶$). در نتیجه، ضریب مسیر غیرمستقیم عملکرد خانواده به رفتارهای جامعه‌گرا ۰/۳۰ می‌باشد که معناداری نقش میانجی پختگی روان‌شناختی در این مسیر، با استفاده از آزمون سوبل مورد بررسی قرار گرفت.

$$z\text{-value} = a \cdot b / \text{SQRT}(b^2 \cdot SE_a^2 + a^2 \cdot SE_b^2) = ۴/۸۸$$

با توجه به این که مقدار z به دست آمده (۴/۸۸) از ۱/۹۶ بیشتر است، می‌توان گفت اثر غیرمستقیم عملکرد خانواده بر رفتارهای جامعه‌گرا با نقش میانجی پختگی روان‌شناختی معنادار می‌باشد. از این رو، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که پختگی روان‌شناختی نقش میانجی معناداری برای رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرای درونی ایفا می‌کند ($P < ۰/۰۵$).

بحث

هدف از اجرای این پژوهش تبیین مدل ساختاری عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرا بود که بررسی نقش میانجی پختگی روان‌شناختی در محوریت آن قرار داشت. در راستای بررسی فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه عملکرد خانواده رابطه‌ی معناداری با رفتارهای جامعه‌گرا دارد، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین تمامی ابعاد عملکرد خانواده با رفتارهای جامعه‌گرای واجد انگیزه‌ی درونی رابطه‌ی مثبت وجود داشت که این روابط به جز میان بُعد همراهی عاطفی با رفتارهای جامعه‌گرای متابعت‌آمیز، از معناداری آماری حکایت دارند. این یافته با بخشی از نتایج حاصل از مطالعات (Ghorbani, Javadian & ZeydabadiNezhad, 2016)

Jaureguizar et al., 2018 و Hezarian et al., 2021 & Jomenia, 2018 این امر بیان می‌دارد هرچه عملکرد خانواده‌ی افراد مطلوب‌تر باشد، میزان بروز رفتارهای جامعه‌گرای واجد انگیزه‌ی درونی در افراد بیشتر است. به عبارتی، بر اساس مطالعات صورت گرفته، خانواده نقشی مهم در روند عملکرد بهنجار و سلامت جامعه ایفا نموده (Estiri et al., 2021) و عملکرد مطلوب آن با پیامدهای مثبتی مانند تغییر رفتار ناسازگار فرزندان همراه است (Hamid et al., 2021). چراکه خانواده ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی بهنجار را به افراد منتقل می‌کند و برخلاف آن، انزوا و بیگانگی از خانواده فرد را با رفتارهای انحرافی و ضداجتماعی مواجه می‌سازد (Parke & Buriel, 2008).

همچنین، فرضیه‌ی دوم پژوهش در مورد رابطه‌ی معنادار عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی بود و نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای آن نشان داد بین تمامی ابعاد عملکرد خانواده با کلیه‌ی حوزه‌های پختگی روان‌شناختی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت. بر این اساس هرچه عملکرد خانواده بهتر باشد، ارتباطات میان اعضا سرشار از درک متقابل باشد، وظایف و نقش هر یک اعضا روشن باشد و تعارضات خانواده به شیوه‌ی مؤثر حل و فصل شود، پختگی روان‌شناختی به‌طور قابل ملاحظه‌ای در افراد خانواده بیشتر است. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش Freidoonfar et al., 2016، Stone, RostamAbadi & HaroonRashidi, 2018، Yeung, 2021 و Piotrowski et al., 2020 & Rydberg, 2019 هم‌سو می‌باشد. در تبیین این دستاورد می‌توان گفت بر اساس پژوهش Yeung (2021)، الگوهای ارتباطی مناسب درون خانواده اهمیت شایانی در بروز پختگی روان‌شناختی افراد دارد و فرآیندهای مثبت خانواده به‌طور قابل توجهی پختگی را پیش‌بینی می‌کند.

برای فرضیه‌ی سوم پژوهش که به رابطه‌ی معنادار پختگی روان‌شناختی با رفتارهای جامعه‌گرا اشاره داشت، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین تمامی حوزه‌های پختگی روان‌شناختی و نمره‌ی کل آن با انواع رفتارهای جامعه‌گرای دارای انگیزه‌ی درونی و نمره‌ی کل آن‌ها رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت. بر این اساس هرچه پختگی روان‌شناختی در افراد بیشتر باشد و استدلال‌های اخلاقی آنان در سطوح بالاتری قرار داشته باشند، بروز رفتارهای جامعه‌گرای دارای انگیزه‌ی درونی نیز در آن‌ها بیشتر است. این یافته با بخشی از نتایج پژوهش Camberis et al., 2016 و پژوهش Nivette et al., 2022 هم‌سو می‌باشد. به اعتقاد Rocque (2015)، هرچه افراد به سمت پختگی حرکت می‌کنند، سطح خودکنترلی، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی آن‌ها افزایش می‌یابد؛ که در نتیجه‌ی آن، انسان‌ها استقامت، احترام به خود و توجه به نظر دیگران را در خویش توسعه می‌دهند و رفتارهای تکانشگرانه‌ی آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، بین تمامی حوزه‌های پختگی روان‌شناختی و نمره‌ی کل آن با ابعاد نوع‌دوستانه و جمعی رفتار جامعه‌گرا رابطه‌ی منفی معنادار به‌دست آمد. به این معنا که هرچه پختگی روان‌شناختی در افراد بیشتر باشد و افراد از استدلال‌های اخلاقی تأییدمدار کمتری استفاده کنند، بروز رفتارهای جامعه‌گرای نوع‌دوستانه و جمعی برای دریافت تأیید و پذیرش دیگران در آن‌ها کمتر است. در این راستا، Prochaska & Norcross (2013) بر این باورند که شخصیت‌های ناپخته خودمحورند و فقط به امیال خودشان توجه می‌کنند. چنان‌که De Caroli & Sagone (2014) در پژوهش خود نشان دادند افرادی که مکرراً در حضور دیگران رفتارهای یاری‌رسان انجام می‌دهند، بیشترین نگرانی را برای جلب رضایت دیگران دارند و به اعتقاد Carlo et al. (2003)، استدلال اخلاقی اجتماعی تأییدمدار به‌طور مثبت و معناداری با رفتارهای جامعه‌گرای جمعی مرتبط است. به‌علاوه، میان حوزه‌ی اجتماعی پختگی روان‌شناختی (پختگی روانی - اجتماعی) و رفتار جامعه‌گرا در شرایط بحرانی و اضطراری رابطه‌ی مثبت و معنادار مشاهده شد. این

یافته‌ها نشان داد هرچه میزان پختگی افراد از نظر اجتماعی بالاتر باشد و از مسئولیت اجتماعی بالاتری برخوردار باشند میزان یاری-رسانی آن‌ها به دیگران در شرایط بحرانی و اضطراری بیشتر است. در مجموع، بنا بر آنچه گفته شد، پختگی روان‌شناختی می‌تواند بروز آن دسته از رفتارهای جامعه‌گرا را که از سطوح بالاتر استدلال اخلاقی در افراد سرچشمه می‌گیرند، افزایش دهد؛ و برعکس، افراد را از بروز رفتارهایی که بر مبنای کسب تأیید سایرین صورت می‌گیرند بازدارد.

در راستای بررسی نقش میانجی پختگی روان‌شناختی، از آن‌جا که رفتار افراد از انگیزه‌های متعددی سرچشمه می‌گیرد که تحلیل آن را با پیچیدگی‌هایی مواجه می‌سازد، با توجه به متغیرهای عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی، از بین رفتارهای جامعه‌گرا آن‌هایی برای ترسیم مدل در نظر گرفته شد که انگیزه‌ی درونی و سطوح بالای استدلال اخلاقی را دربردارند. دستاوردهای حاصل از برازش مدل ساختاری حاکی از معناداری مسیر غیرمستقیم عملکرد خانواده به رفتارهای جامعه‌گرا بود و نشان داد که پختگی روان‌شناختی نقش میانجی معناداری برای رابطه‌ی میان عملکرد خانواده و رفتارهای جامعه‌گرای درونی ایفا می‌کند. به این معنا که خانواده با تأثیری که بر پختگی روان‌شناختی اعضای خود می‌گذارد می‌تواند بروز آن دسته از رفتارهای اجتماعی را که از سطوح بالاتر استدلال اخلاقی افراد سرچشمه می‌گیرند، موجب شود. در واقع یک فرد پخته باید انتظارات اصلی جامعه، نگرش‌ها و ارزش‌های اصلی آن را بشناسد (Greenberger & Sorensen, 1974) و خانواده به‌عنوان یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، با انتقال مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد عملکرد خانواده نقش‌های اعضای آن است که نحوه‌ی تخصیص مسئولیت‌ها و مدیریت را شکل می‌دهد. به‌عنوان مثال، یکی از ابعاد عملکرد خانواده نقش‌های اعضای آن است که نحوه‌ی تخصیص مسئولیت‌ها و مدیریت سیستم خانواده را نشان می‌دهد (Keitner et al., 2019). در شماری از مطالعات صورت گرفته انتقال نقش‌ها فرصتی برای رشد پختگی روان‌شناختی افراد به‌شمار رفته و نقش‌های خانوادگی بزرگسالان با جنبه‌های مختلف پختگی روانی-اجتماعی آنان مرتبط دانسته شده است (Piotrowski et al., 2020; Stone & Rydberg, 2019).

در این پژوهش، مسیر مستقیم عملکرد خانواده به رفتارهای جامعه‌گرا معنادار نشد. در این راستا، پژوهش صورت گرفته توسط Zhu et al. (2023) نشان داده است اثر مستقیم عملکرد خانواده بر رفتارهای جامعه‌گرا تنها در نمونه‌های مربوط به والد مادر معنادار شد و در مورد والد پدر اثر معنادار نداشت. این یافته ممکن است توسط این فرضیه قابل تبیین باشد که همانند آنچه در پژوهش Zhu et al. (2023) رخ داد، در کشورهای شرقی اغلب مادر به‌عنوان مراقب اصلی فرزندان ایفای نقش می‌کند و احتمالاً بیش از پدر به رفتارهای جامعه‌گرای فرزندان توجه دارد. در پژوهش حاضر، ایفای نقش مادرانه یا پدرانه مدنظر نبوده و مورد بررسی قرار نگرفت. این امر ممکن است نقشی بر عدم معناداری مسیر مذکور داشته باشد.

انسان‌ها شیوه‌ی تعامل با سایرین و تعبیر رفتارهای آنان را در خانواده‌ی خود می‌آموزند. از این رو، خانواده که از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی میزان تعامل فرد با جامعه است، نقش بسزایی در پختگی روان‌شناختی اعضای خود دارد. در این راستا، پیازه اذعان می‌کند قدیمی‌ترین تجربیات میان‌فردی شخص با والدین، به طرحواره‌های درونی شده‌ای منجر می‌شوند که مفاهیم ابتدایی درباره‌ی ویژگی افراد هستند. افراد ناپخته، تجربیات خود را از دیگران به‌گونه‌ای تحریف می‌کنند که با برداشت‌های درونی شده‌ی آن‌ها منطبق شود (Prochaska & Norcross, 2013). اما افراد پخته از توانایی «در اینجا و اکنون» بودن برخوردارند و به نقطه‌نظر سایرین توجه دارند (Ben-Shahar, 2009, quoted from Mohammadkhani et al., 2016). از سویی نیز رشد پختگی به‌عنوان یک منبع ضروری مؤثر بر جنبه‌هایی از سلامت روان‌شناختی و رفتاری، مانند افزایش عملکرد تحصیلی و اجتماعی، کاهش بزهکاری و مشکلات عاطفی مورد تأیید قرار گرفته است (Yeung, 2021). برخی از معانی پختگی نیز در زمینه‌ی شایستگی میان‌فردی مطرح می‌شود که بیانگر

توانایی فرد برای برقراری روابط متقابل مثبت با دیگران، شایستگی اجتماعی، مشارکت در جامعه و کمک به بهزیستی آن می‌باشد (Greenberger & Sorensen, 1974). از این رو، پختگی موفقیت در سازگاری با نقش‌های میان‌فردی و اجتماعی (Mann et al., 2019; Stone & Rydberg, 2019)، کاهش رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه (Stone & Rydberg, 2019) و نیز خودمهارگری و خویش‌داری (Rocque, 2015) را به دنبال دارد و افراد پخته به بقای جامعه که دغدغه‌ی مدل‌های جامعه‌شناختی برای بلوغ است، کمک می‌کنند و فرد «پخته» یک سرمایه برای جامعه به‌شمار می‌رود (Greenberger & Sorensen, 1974). بنا بر آنچه گفته شد، در صورتی که خانواده از عملکرد مطلوبی برخوردار باشد، می‌تواند با ایجاد فضایی امن، موجب توسعه‌ی پختگی روان‌شناختی در اعضا شود و از این طریق رفتارهای جامعه‌گرایی را در انسان‌ها برانگیزد که در جهت بهبود شرایط جامعه انجام می‌گیرند.

وجود رفتارهای جامعه‌گرا برای عملکرد جامعه ضروری است (Knafo & Plomin, 2006). از سویی این رفتارها می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل و اشخاص متعددی همچون اطرافیان قرار گیرند (Feng et al., 2023)، به گونه‌ای که عملکرد سالم‌تر و مطلوب‌تر خانواده با رفتارهای جامعه‌گرای بیشتری در ارتباط است (Zhu et al., 2023) و قرارگیری در معرض الگوهای مناسب، رفتارهای جامعه‌گرا را در فرد شکل می‌دهد (Crain, 2020). چنان‌که کودکانی که در خانواده‌های دارای عملکرد بهتر زندگی می‌کنند مشکلات رفتاری کمتری دارند (Hezarian et al., 2021) و نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در رفتارهای بهنجار فرزندان ایجاد می‌کند (Jaureguizar et al., 2018). به گونه‌ای که بیشترین افراد ناسازگار به خانواده‌های آسیب‌دیده تعلق دارند (Wadsworth, 2015). کودکانی که در خانه‌های متشنج بزرگ می‌شوند، در ایجاد روابط مطلوب با گروه همسالان با مشکل روبرو هستند (Hezarian et al., 2021) و افرادی که رفتارهای انحرافی بیشتری انجام می‌دهند نیز از زندگی خانوادگی خود رضایت کمتری دارند (Dullas et al., 2021). از سویی دیگر نیز، افزایش توانایی افراد برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران، به‌عنوان نشانه‌ای از پختگی روان‌شناختی (Mulvey et al., 2004; Rocque, 2015)، می‌تواند استدلال اخلاقی را به سطوح بالاتر برای انجام رفتارهای جامعه‌گرا ارتقا دهد (Feng et al., 2023) که تحت تأثیر خانواده و روابط درون آن قرار دارد (Ohtaka, M., & Karasawa, 2019). بدین ترتیب، انتظار می‌رود افراد پخته در درک و برقراری تعاملات اجتماعی، عملکرد مناسبی از خود بروز دهند. آن‌گونه که دستاوردهای این پژوهش نیز نشان داد، افرادی که از میزان بالای پختگی روان‌شناختی برخوردارند، رفتارهای جامعه‌گرایی را از خود نشان می‌دهند که در آن منافع سایرین و جامعه نیز در نظر گرفته می‌شود. در مجموع می‌توان گفت عملکرد شایسته‌ی خانواده می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن پختگی روان‌شناختی اعضای خود و رشد آن، آن‌ها را به سمت اتخاذ رفتارهای جامعه‌گرا با انگیزه‌ی درونی در راستای افزایش مودت اجتماعی سوق دهد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز بود؛ بدین صورت که ابزاری که برای سنجش رفتارهای جامعه‌گرا در این پژوهش استفاده شد، انگیزه‌هایی را که به رفتارهای جامعه‌گرا جهت می‌دهند می‌سنجید و خود این رفتارها را مورد سنجش قرار نمی‌داد. همچنین ابزار دیگری وجود نداشت تا مورد استفاده قرار گیرد. این امر موجب شد با توجه به متغیرهای عملکرد خانواده و پختگی روان‌شناختی بخشی از رفتارها وارد مدل ساختاری نشوند و فقط همبستگی آن‌ها با دو متغیر مذکور مورد سنجش قرار گیرد. در ادامه، با توجه به این که پرسشنامه‌ی گرایش‌های مطلوب اجتماعی (Carlo et al., 2003)، هر دو گونه‌ی درونی و بیرونی رفتارهای جامعه‌گرا را شامل می‌شود و نیز در نسخه‌ی استاندارد شده و هنجاریابی شده برای جامعه‌ی ایرانی، تغییراتی نسبت به نسخه‌ی اصلی صورت گرفته و طبقه‌ی رفتارهای نوع‌دوستانه و جمعی با یکدیگر ادغام شده بودند، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در زمینه‌ی سنجش

رفتارهای جامعه‌گرا مطالعاتی را طرح‌ریزی نمایند. همچنین، نظر به این که در این مطالعه از سویی اثر مستقیم عملکرد خانواده بر رفتارهای جامعه‌گرا معنادار نشد و از سویی دیگر همبستگی معنادار میان این دو متغیر مشاهده شد، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی متغیرهای دیگری به‌عنوان میانجی و یا متغیرهایی به‌عنوان تعدیل‌گر در این رابطه قرار داده شوند تا چگونگی تأثیر عملکرد خانواده بر رفتارهای جامعه‌گرا به‌صورتی واضح‌تر نمایان گردد.

سپاس‌گزاری

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Alimov, N., & Gulrukh, F. (2022). Dependence of psychological maturity on the strength of family relationships. *Eurasian Journal of Humanities and Social Sciences*, 6, 38-41. <https://www.geniusjournals.org/index.php/ejhss/article/view/817>
- Camberis, A. L., McMahon, C. A., Gibson, F. L., & Boivin, J. (2016). Maternal age, psychological maturity, parenting cognitions, and mother-infant interaction. *Infancy*, 21(4), 396-422. <https://doi.org/10.1111/infa.12116>
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randall, B. A. (2003). Sociocognitive and behavioral correlates of a measure of prosocial tendencies for adolescents. *The Journal of Early Adolescence*, 23(1), 107-134. <https://doi.org/10.1177/0272431602239132>
- Carlo, G., & Randall, B. A. (2002). The development of a measure of prosocial behaviors for late adolescents. *Journal of youth and adolescence*, 31(1), 31-44. <https://doi.org/10.1023/A:1014033032440>
- Caspi, A., Roberts, B. W., & Shiner, R. L. (2005). Personality development: Stability and change. *Annual Review of Psychology*, 56, 453-484. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.55.090902.141913>
- Crain, W.C. (2020). *Theories of development: Concepts and applications*. Translation: Gholam Reza Khoynezhad & AliReza Rajaei. Tehran: Roshd press. ISBN: 978-600-351-073-9. [In Persian]
- De Caroli, M. E., & Sagone, E. (2014). Belief in a just world, prosocial behavior, and moral disengagement in adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 596-600. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.263>
- Dullas, A. R., Yncierto, K. D., Labiano, M. A., & Marcelo, J. C. (2021). Determinants of variety of deviant behaviors: An analysis of family satisfaction, personality traits and its relationship on deviant behaviors among Filipino adolescents. *Frontiers in psychology*, 12, 1240. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.645126>

- Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Levin, S. (1978). The McMaster model of family functioning. *Journal of Marital and Family therapy*, 4(4), 19-31. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1978.tb00537.x>
- Estiri, S., Janbozorgi, M., & Khodadadi Sangdeh, J. (2021). The prediction of family function according to ego strengths and identity status of couples. *Evolutionary psychology: Iranian psychologists*, 17(67), 281-290. https://jip.stb.iau.ir/article_683166.html. [In Persian]
- Fathi, A., Malekirad, A., Abasi, M. (2021). Predicting high-risk behaviors of adolescents based on the family function and religious orientation emphasizing on the police role. *Quarterly Journal of Hamedan Police Science*, 8(1), 13-23. <https://doi.org/10.22034/hpsj.2021.95981>. [In Persian]
- Feist, J., Feist, G.J. & Roberts, T-A. (2015). *Theories of personality*. Translation: Yahya Sayed Mohammadi. Tehran: Ravan Press. ISBN: 978-964-8345-98-8. [In Persian]
- Feng, X., Han, Z., & Zheng, S. (2023). Peer influence on prosocial behavior in adolescence. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 8, 1879-1885. <https://doi.org/10.54097/ehss.v8i.4604>
- Freidoonfar, H., Farhadi, S., Karami Zare, M. & Mortazavi, M. (2016). The role of family communication patterns in predicting psychological maturity. *The first International Comprehensive Psychology Congress of Iran*. <https://civilica.com/doc/475229/>. [In Persian]
- Gharadaghi, A., Zemestani, M., & Valiei, Z. (2020). On the relationship between family functioning and cognitive emotion regulation with students' psychological well-being. *Journal of School Psychology*, 9(2), 108-122. <https://doi.org/10.22098/jsp.2020.943> [In Persian]
- Ghorbani, A., & Jomenia, S.J. (2018). The Role of social factors (family, school, peer group) in socialization of students in Golestan province. *Journal of Applied Sociology*, 29(2), 113-128. <https://doi.org/10.22108/jas.2018.100602.1013> [in Persian]
- Greenberger, E., & Sørensen, A. B. (1974). Toward a concept of psychosocial maturity. *Journal of Youth and Adolescence*, 3(4), 329-358. <https://doi.org/10.1007/BF02214746>
- Hamid, N., Sayad, S., Firoozi, A. (2021). effectiveness of cognitive behavioral family therapy on family function of couples, behavioral adjustment and academic performance of their male students. *Journal of Educational Psychology Studies*, 18(41), 89-65. <https://doi.org/10.22111/jepts.2021.6050> [In Persian].
- Hammond, S. I., Waugh, W., Satlof-Bedrick, E., & Brownell, C. A. (2015). Prosocial behavior during childhood and cultural variations. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2(19), 228-232. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.23182-6>
- Hezarian, S., Bakhtiarpour, S., Pasha, R., Asgari, P., & Hafezi, F. (2021). The relationship between family function and drug attitude by mediating role of social adjustment among students. *Scientific Quarterly of Research on Addiction*, 15 (59), 139-156. <https://doi.org/10.52547/etiadjpajohi.15.59.139> [In Persian]
- Icenogle, G., Steinberg, L., Duell, N., Chein, J., Chang, L., Chaudhary, N., ... & Bacchini, D. (2019). Adolescents' cognitive capacity reaches adult levels prior to their psychosocial maturity: Evidence for a "maturity gap" in a multinational, cross-sectional sample. *Law and human behavior*, 43(1), 69-85. <https://doi.org/10.1037/lhb0000315>

- Jaureguizar, J., Bernaras, E., Bully, P., & Garaigordobil, M. (2018). Perceived parenting and adolescents' adjustment. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 1(31), 1-11. <https://doi.org/10.1186/s41155-018-0088-x>
- Javadian, S. R., & Zeydabadi Nezhad, F. (2016). The relationship between family social capital and prosocial behaviors (case study: Yazd university students). *A Research Journal of Social Work*, 3(9), 44-75. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2016.9256> [In Persian]
- Kajbaf, M.B., & Rahimi, F. (2011). Comparison of addicts personal/social motives and social capital among treatment groups in Isfahan city. *New educational approaches*, 6(1), 125-148. https://nea.ui.ac.ir/article_19064.html. [In Persian]
- Kajbaf, M.B., Sajjadian, I., & Noori, A. (2010). Examining the factorial structure, validity and reliability of the prosocial tendencies scale among university students. *Applied Sociology*, 21(38), 101-118. https://jas.ui.ac.ir/article_18155.html. [In Persian]
- Keitner, G., Mansfield, A., & Archambault, R. (2019). McMaster Family Therapy. In: Lebow, J., Chambers, A., & Breunlin, D. C. (Eds.), *Encyclopedia of Couple and Family Therapy*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-49425-8_579
- Knafo, A., & Plomin, R. (2006). Prosocial behavior from early to middle childhood: Genetic and environmental influences on stability and change. *Developmental Psychology*, 42(5), 771-786. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.42.5.771>
- Koerner, A. F., & Maki, L. (2004). Family communication patterns and social support in families of origin and adult children's subsequent intimate relationships. In *International association for relationship research conference* (pp. 22-5). <https://www.researchgate.net/publication/237239956>
- Lewandowski, A. S., Palermo, T. M., Stinson, J., Handley, S., & Chambers, C. T. (2010). Systematic review of family functioning in families of children and adolescents with chronic pain. *The Journal of Pain*, 11(11), 1027-1038. <https://doi.org/10.1016/j.jpain.2010.04.005>
- Lewis, M. (2018). Prosocial Behavior. In: Shackelford, T. K., & Weekes-Shackelford, V. (Eds.), *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-16999-6_158-1
- Malinauskas, R. K., & Saulius, T. (2019). Social self-efficacy and prosocial behaviour among students of high and youth schools. *European Journal of Contemporary Education*, 8(3), 542-549. <https://doi.org/10.13187/ejced.2019.3.542>
- Mann, F. D., DeYoung, C. G., Tiberius, V., & Krueger, R. F. (2021). Stability and well-being: Associations among the big five domains, metatraits, and three kinds of well-being in a large sample. *Journal of personality*, 89(4), 720-737. <https://doi.org/10.1111/jopy.12611>
- Mazo, S., "Maturity and Personality: What Does it Mean to be Mature?" (2021). *Denison Student Scholarship*. 81. <https://digitalcommons.denison.edu/studentscholarship/81>
- Mohammadkhani, S., Salemi-Langroudi, A., Ghasemi, M., Hakimpour, S. (2016). Emotional Intelligence (EI) as a predictor of the psychological maturity. *Journal of Personality & Individual Differences*, 5(11), 9-25. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1123199>. [In Persian]

- Mulvey, E. P., Steinberg, L., Fagan, J., Cauffman, E., Piquero, A. R., Chassin, L., ... & Losoya, S. H. (2004). Theory and research on desistance from antisocial activity among serious adolescent offenders. *Youth violence and juvenile justice*, 2(3), 213-236. <https://doi.org/10.1177/1541204004265864>
- Nikolaev, E. L., Baranova, E. A., & Petunova, S. A. (2016). Mental health problems in young children: The role of mothers' coping and parenting styles and characteristics of family functioning. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 233, 94-99. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.152>
- Nivette, A., Echelmeyer, L., Weerman, F., Eisner, M., & Ribeaud, D. (2022). Understanding changes in violent extremist attitudes during the transition to early adulthood. *Journal of Quantitative Criminology*, 38, 949-978. <https://doi.org/10.1007/s10940-021-09522-9>
- ObosiA., C., Adejimi, A.O., & Badejo, A.R. (2017). Role of psychological and parental social factors in pro-social behaviour among pre-adolescents and adolescents in Lagos State. *African journal for the psychological students of social issues*, 20(3), 258-301. <http://ajpssi.org/index.php/ajpssi/article/view/276>.
- Ohtaka, M., & Karasawa, K. (2019). Perspective-taking in families based on the social relations model. *The Japanese journal of Experimental Social Psychology*, 58(2), 111-115. <https://doi.org/10.2130/jjesp.1810>
- Parke, R. D., & Buriel, R. (2008). Socialization in the family: Ethnic and ecological perspectives. *Child and adolescent development: An advanced course*, 95-138. <https://doi.org/10.1002/9780470147658.chpsy0308>
- Piotrowski, K., Brzezińska, A. I., & Luyckx, K. (2020). Adult roles as predictors of adult identity and identity commitment in Polish emerging adults: Psychosocial maturity as an intervening variable. *Current psychology*, 39(6), 2149-2158. <https://doi.org/10.1007/s12144-018-9903-x>
- Poorshirazi K, & Nasrolahi B. (2021). The Comparison of Emotional Intelligence, Cognitive Distortions and Social Behavior between Substance-Dependent and Non-Dependent Individuals. *Scientific Quarterly of Research on Addiction*, 15 (59), 227-250. <https://doi.org/10.52547/etiadpajohi.15.59.227> [In Persian]
- Prochaska, J. O., & Norcross, J. C. (2013). *Systems of psychotherapy: A Transtheoretical Analysis*. Oxford University Press. ISBN: 978-1285176024.
- Rocque, M. (2015). The lost concept: The (re) emerging link between maturation and desistance from crime. *Criminology & Criminal Justice*, 15(3), 340-360. <https://doi.org/10.1177/1748895814547710>
- RostamAbadi, M., & HaroonRashidi, H. (2018). Investigating the relationship between students' family cohesion and flexibility, with the level of psychological maturity with the mediation of assertiveness. *The 5th International Conference on Psychology, Education and Lifestyle, Qazvin*. <https://www.sid.ir/paper/898121/fa>. [in Persian]
- Rouhizadeh, M., Alam, S., Hozhabrnya, Z. (2020). Identifying the factors affecting the development of health and providing a Structural equation modeling. *Razi Journal of Medical Sciences*, 27 (5), 1-11. <http://rjms.iums.ac.ir/article-1-6220-fa.html>. [in Persian]
- Ryan, C., Epstein, N.B., Keitner, G.I., Miller, I.W., & Bishop, D.S. (2005). *Evaluating and Treating Families: The McMaster Approach* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203843840>

- Stone, R., Rydberg, J. (2019). Parenthood, maturation, and desistance: examining parenthood transition effects on maturation domains and subsequent reoffending. *Journal of Developmental and Life-Course Criminology*, 5, 387-414. <https://doi.org/10.1007/s40865-019-00123-6>
- Wadsworth, M. E. (2015). Development of maladaptive coping: A functional adaptation to chronic, uncontrollable stress. *Child Development Perspectives*, 9(2), 96-100. <https://doi.org/10.1111/cdep.12112>
- Yeung, J. W. (2021). Family processes, parenting practices, and psychosocial maturity of Chinese youths: A latent variable interaction and mediation analysis. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(8), 4357. <https://doi.org/10.3390/ijerph18084357>
- Zarei, S. (2021). The mediating role of self-esteem and self-control in the relationship between family functioning and compulsive buying behavior of female adolescents. *Psychological Studies*, 17(1), 113-128. <https://doi.org/10.22051/psy.2021.33896.2356> [In Persian]
- Zhu, D., Chen, Y., Li, L., & Dunsmore, J. C. (2023). Family functioning, emotion socialization, and children's social competence: Gender-specific effects in Chinese families. *Journal of Child and Family Studies*, 32(1), 257-271. <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02480-1>

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Licensee Family Psychology Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

